

راهبردها و روش‌های نهادینه‌سازی فرهنگ قرآن بر پایه گرایش فطری انسان به کمال و زیبایی

namebar110@gmail.com
najarzadegan@ut.ac.ir

کلیه علی رضازاده جویباری / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
فتح‌الله نجارزادگان / استاد پردیس فارابی دانشگاه تهران
دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۳۰ - پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

چکیده

مربیان و فرهنگ‌سازان در فرایند تبلیغ، تعلیم و تربیت ناگزیرند برای نهادینه‌سازی فرهنگ قرآن، به گرایش‌های فطری بشر توجه ویژه کنند؛ چون قرآن کلام خداوند فطرت‌آفرین، و زبان قرآن هماهنگ با فطرت آدمیان است. این نوشته درصدد تدوین راهبردهایی تربیتی است که از گرایش فطری انسان به زیبایی و کمال استنتاج می‌شود و نیز بر آن است تا با کشف روش‌های مناسب برای اجرای این راهبردها، جهان‌بینی، باورها و ارزش‌های قرآنی را در مخاطبین قرآن نهادینه کند. در این پژوهش، برای استنتاج هر راهبرد و روش‌های مربوط به آن، از الگوی منطقی «فرانکنا» استفاده شده و شواهد قرآنی و روایی نیز برای مبانی، اصول و روش‌های مورد بحث ارائه شده است. در این زمینه بر مبنای «عشق به کمال مطلق»، راهبردهای «تبیین کمال‌بخشی فرهنگ قرآن»، «معرفی کمالات قرآن و فرهنگ قرآن» و «تقویت و ارتقای حس کمال‌خواهی» و بر مبنای «گرایش به زیبایی»، راهبردهای «رعایت زیبایی و آراستگی در نهادینه‌سازی»، «برجسته‌سازی زیبایی‌های قرآن» و «تقویت و اعتلای ذائقه زیبایی‌شناختی» استخراج شده و مجموعاً ۲۴ روش نیز برای اجرای این راهبردها ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، فرهنگ قرآن، گرایش فطری، کمال، زیبایی، نهادینه‌سازی، روش‌های نهادینه‌سازی.

خداوند متعال با فرستادن پیامبران و تشریح ادیان، نخستین کسی است که اقدام به فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی باورها و ارزش‌های صحیح در انسان‌ها نموده است. در نخستین آیات نازل شده بر پیامبر نیز به مسئله فرهنگ‌سازی و تعلیم و تربیت ربوبی اشاره شده است (علق: ۱-۵). سلسله جلیله انبیا به پیامبری ختم شده است که رسالتش تبلیغ آخرین دین و تبیین کامل‌ترین فرهنگ بوده است. وظیفه اهل علم نیز به حکم «ان العلماء ورثة الانبیاء» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۸۳). گسترش فرهنگ اسلام و قرآن در بین مسلمین و غیرمسلمین است.

فرهنگ، مقوله‌ای چندلایه است. لایه‌های فرهنگ به ترتیب از درونی و کلان‌ترین تا بیرونی و عینی‌ترین لایه- عبارت‌اند از جهان‌بینی، باورها، ارزش‌ها و رفتارها (ندایی، ۱۳۷۸، ص ۵۰). رفتارها، نمود بیرونی لایه‌های درونی فکر و شخصیت افرادند. درواقع رفتار هر فرد بر اساس ارزش‌های رفتاری مورد قبول اوست که بر مبنای باورهای نظری خاصی آن ارزش‌ها را پذیرفته است؛ باورهایی که به نوبه خود متأثر از جهان‌بینی کلی انسان هستند. بنابراین، فرهنگ قرآن عبارت از جهان‌بینی، باورها و ارزش‌هایی است که در قرآن ارائه شده و عصاره عقاید، اخلاق و احکام اسلامی است. فرهنگ‌سازی برای تأثیرگذاری باید از لایه‌های نخست و کلان آغاز شود؛ زیرا تغییر رفتارها و ارزش‌های یک فرد یا گروه، متأثر از تغییر جهان‌بینی و باورهایش می‌باشد. پس در مقام نهادینه‌سازی فرهنگ قرآن، باید برای پذیرش جهان‌بینی و باورهای قرآنی-مثل توحید، نبوت، ولایت و معاد- زمینه‌سازی شود تا شرایط بروز رفتارهای اسلامی و قرآنی فراهم گردد. مسئله‌ای که در گرو اتخاذ راهبرد و روش‌های مناسب است.

نهادینه‌سازی در لغت به معنای تثبیت کردن و جا انداختن چیزی است (دهخدا، ۱۳۵۹، ج ۴). نهادینه‌سازی یک رفتار، مستلزم حاکم شدن ارزش‌های اساسی مربوط به آن رفتار مطلوب، در فرد یا جامعه است (کوئن، ۱۳۷۹). پیش‌تر گفته شد اصلاح ارزش‌ها منوط به اصلاح باورها و جهان‌بینی است؛ بنابراین نهادینه‌سازی فرهنگ قرآن به معنای حاکم شدن جهان‌بینی قرآنی است که به حاکم شدن ارزش‌های قرآنی می‌انجامد.

نهاد، تعبیری دیگر از فطرت است؛ زیرا فطرت، چیزی است که انسان در آفرینش به آن شکل نهاده شده و سرشتی است که آفریدگار، آفریده را بر آن جعل کرده است (ابن منظور، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۶). این معنا از فطرت، با معنای لغوی نهاد^۲ همخوانی دارد (معین، ۱۳۷۵، ص ۴۸۲۶).

بنا بر اعتقاد به فطرت، در نهاد انسان از بدو آفرینش، بینش‌ها و گرایش‌هایی نهادینه شده که ذاتی، همگانی و زوال‌ناپذیرند و در هر کس عطش دستیابی به آنها وجود دارد (ابن سینا، ۱۳۹۱، ص ۶۳-۶۵ ملاحظه‌کنید، ۱۳۶۰، ص ۲۰۵). انسان طبعاً به آنچه موافق فطرت و مصداق گرایش‌های درونی‌اش باشد، گرایش پیدا می‌کند و جهان‌بینی یا باورهایی که او را به امیال فطری‌اش برسانند، به راحتی می‌پذیرد.

بنابراین، گام اول در نهادینه‌سازی، شناخت درون و شناسایی گرایش‌های فطری انسان است. گام دوم، استفاده از این گرایش‌های فطری [نهادینه شده] برای استخراج راهبردهای نهادینه‌سازی فرهنگ قرآن است.

گرایش به کمال و زیبایی دو گرایش فطری مهم در انسان هستند که هرکس به روشنی در خود آن را حس می‌کند. تاکنون ظرفیت بالای «کمال‌خواهی و زیبایی‌دوستی» بشر، در ارائه روش‌های تربیتی و ایجاد گرایش به ارزش‌های اسلامی مورد عنایت کافی قرار نگرفته است. اندک پژوهش‌هایی که به این مسئله توجه کرده‌اند، به صورت مختصر یا کلان طرح بحث کرده و بنای گذار از اصول کلی به روش‌های جزئی کاربردی نداشته‌اند، از این‌رو همچنان نیاز به پژوهش‌های تکمیلی وجود دارد.

در مقاله «تحلیل مناسبات ادراکات زیبایی‌شناختی و تربیت و تبیین مبانی و اصول تربیت زیبایی‌شناختی از دیدگاه شهید مطهری و علامه جعفری» (حسین‌پور و صادق‌زاده قمصری، ۱۳۹۲) دو سوم بحث به طرح مطالب کلی و نیز گزارش تفصیلی دیدگاه شهید مطهری و علامه جعفری درباره گرایش به زیبایی اختصاص یافته است. در یک سوم پایانی، چهار مبنای تربیتی و اصول منتج از آن ارائه شده؛ ولی روش‌های اجرای اصل، به صورت مستقیم بحث نشده است. آن مبانی - که برخی در این نوشتار نیز استفاده شده‌اند - عبارت‌اند از: «جذبه حسن و احسان»، «نقش ذهن و عوامل اجتماعی در ادراکات زیبایی‌شناختی»، «تکوین و ماندگاری صورت‌های خیالی در نفس انسان» و «تشکیکی بودن زیبایی در عالم». اصول منتج از این مبانی به ترتیب عبارت‌اند از: «آراستگی»، «فضل»، «کنترل و ارتقای ذائقه زیبایی‌شناختی»، «مدیریت حواس و تطهیر قوه خیال» و «ارتقای ساحت وجودی متری».

دیگر پژوهش مرتبط، مقاله‌ای است با عنوان «جایگاه گرایش‌های فطری در تعلیم و تربیت اسلامی از منظر علامه طباطبایی» (فقیهی، ۱۳۹۵). در این مقاله اطلاعاتی درباره فطرت از دیدگاه علامه طباطبایی، معرفی پژوهش‌های مرتبط با تربیت فطری، مفهوم‌شناسی فطرت و توضیح گرایش‌ها و ساحات فطرت انسان از دیدگاه علامه طباطبایی ارائه شده است. در بخش آخر، اشاره‌ای کوتاه به «گرایش انسان به کمال مطلق» و «گرایش به هنر و زیبایی» شده، لکن از اصول و روش‌های تربیتی مبتنی بر آن بحث نشده است.

امتیاز اثر حاضر در این است که به سه نوع راهبرد قابل استنتاج از گرایش به زیبایی و کمال تصریح کرده که قابل استفاده و تعمیم به سایر گرایش‌های فطری نیز هست. همچنین برای نخستین بار بیش از بیست روش برای اجرای این اصول پیشنهاد شده که بحث را کاربردی می‌کند و زمینه تحقیق و بررسی عمیق‌تر را فراهم می‌سازد.

طرح مسئله

چه راهبردهایی از «عشق فطری انسان به کمال مطلق» و «گرایش بشر به زیبایی» می‌توان استنتاج کرد و با چه روش‌هایی می‌توان آنها را تحقق بخشید تا به نهادینه‌سازی فرهنگ قرآن بینجامد؟

روش پژوهش

نگارش این مقاله به روش تحلیل محتوا و شیوه تحلیلی منطقی انجام گرفته و گردآوری اطلاعات با روش اسنادی بوده است.

همچنین برای استنتاج راهبردها و روش‌های نهادینه‌سازی، از الگوی منطقی ویلیام فرانکنا استفاده شده است (ر.ک: باقری، ۱۳۸۹، ص ۴۸-۶۴). در این روش، قیاس اول متشکل از یک هدف تربیتی و گزاره واقع‌نگر مبنایی [به‌عنوان صغری و کبری قیاس] است که اصل یا همان راهبرد را نتیجه می‌دهد. قیاس دوم متشکل از اصل و گزاره روش‌ساز به‌عنوان صغری و کبری است که روش اجرای راهبرد را نتیجه می‌دهد (در این مقاله، به دلیل تعداد بالای روش‌های اصلی و فرعی پیشنهاد شده و در جهت رعایت اختصار، به گزاره واقع‌نگر روشی و قیاس مربوطه تصریح نشده و تنها اصل و روش [یعنی صغری و نتیجه قیاس] ذکر شده است. البته فهم گزاره روش‌ساز و تکمیل قیاس - به دلیل دسترسی به صغری و نتیجه قیاس - ممکن است).

دست‌کم سه نوع راهبرد برای نهادینه‌سازی فرهنگ قرآن، از هر گرایش فطری قابل استخراج است [که با ارائه روش‌های فرعی ذیل هر یک تکمیل می‌شوند]:

۱. تبلیغ فرهنگ قرآن به‌عنوان مصداق گرایش فطری

یک راهبرد عمده برای ایجاد گرایش به فرهنگ قرآن - که می‌توان ذیل هر گرایش فطری ارائه کرد - تبیین ظرفیت قرآن و فرهنگ آن در ارضای یک گرایش فطری است؛ مثلاً بر مبنای «عزت‌خواهی» انسان، «اثبات عزت‌بخشی قرآن» یک راهبرد برای جذب پایدار مخاطب به فرهنگ قرآن است.

۲. ارائه محتوای فرهنگی و قرآنی با توجه به گرایش فطری

راهبرد دیگری که می‌توان ارائه کرد، احترام و توجه به گرایش فطری مخاطب در انتخاب و ارائه محتوا و محور قرار دادن گرایش فطری اوست؛ مثلاً بر مبنای «زیبایی‌دوستی» انسان، «رعایت زیبایی و آراستگی» راهبردی است که اگر در ارائه محتوای قرآنی مورد توجه قرار گیرد، موجب جذب مخاطب به محصول فرهنگی زیبا و گرایش یافتن به قرآن می‌شود.

۳. تقویت و ارتقای گرایش فطری

با ارتقای یک گرایش فطری، درک مصداق کامل و والای آن گرایش فطری برای فرد ممکن می‌شود. این راهبردی است که با اجرای آن، دستگاه‌گرایشی انسان برای میل یافتن به قرآن آمادگی می‌یابد. هرچند فطرت صاف و پالوده طبعاً برای گرایش به فرهنگ قرآن آماده است، لکن آن‌گاه که غبار گرفت و از بیرون آلوده شد، زیبایی و کمال قرآن را درک نمی‌کند. اگر حس زیبایی‌شناسی یک انسان به صرف تناسب اندام تنازل کند و زیبایی‌های والاتر را تشخیص ندهد، به قرآن نیز گرایش نخواهد یافت.

راهبرد «تقویت و ارتقای گرایش‌های فطری» راهبردی غیرمستقیم برای نهادینه‌سازی فرهنگ قرآن و مکمل اولین نوع از راهبردها، یعنی «تبلیغ فرهنگ قرآن به‌عنوان مصداق گرایش فطری» است. برای مثال ضمن ارتقای گرایش انسان به زیبایی، باید قرآن را نیز به‌عنوان مصداق زیبایی‌های والا معرفی کرد.

تقویت یک گرایش فطری به‌طور کلی بر این مبنا استوار است که عوامل اجتماعی و ذهنی می‌توانند تأثیر مثبت

یا منفی در گرایش‌های فطری داشته باشند. بنابراین برای حفظ کمال و طراوت یک گرایش فطری لازم است روش‌هایی برای تقویت و ارتقای آن در نظر گرفته شود (حسین پور و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۲-۲۴).

گرایش‌های فطری

خداوند متعال در آیه فطرت، میل به دین را جزئی از سرشت خدادادی بشر دانسته است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ (روم: ۳۰)؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن. این آفرینشی است که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا تغییرپذیر نیست».

از معصومین علیهم‌السلام روایت شده مراد از این آیه، آفرینش نوع بشر با فطرت توحیدی و شناخت خداوند و گرایش به اوست (شیخ صدوق، ۱۳۹۸، ص ۳۲۸؛ کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۳۵). انسان گرایش‌های فطری متنوعی دارد که تجلی همه این گرایش‌ها به صورت مطلق و در یک مصداق کامل، در ذات اقدس الهی و گرایش به توحید است. شاهد بر اینکه ذکر عنوان «توحید» از باب ذکر مصداق اتم گرایش فطری است [نه تبیین خود گرایش فطری]، روایات دیگری است که فطرت در همین آیه را به عناوین دیگری همچون «ولایت» تفسیر کرده‌اند (ر.ک: بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۴۵).

در این نوشتار به برخی گرایش‌های فطری اشاره خواهد شد که نهاد هر فرد، شاهد و حاکم بر وجود آنهاست. وجود یک گرایش فطری در انسان امری وجدانی است و نیازمند اثبات از طریق استدلال عقلی و نقلی نیست؛ جز آنکه نشانه‌ها و آثار گرایش فطری، به‌عنوان دلیل بر وجود آن بازگویی و یادآوری شوند.

آنچه باعث این توهم شده [که گرایش انسان مثلاً به زیبایی، عدالت و حقیقت، نیاز به اثبات دارد]، گم‌گشتگی انسان در پیچ‌وخم پیش‌فرض‌ها و غفلت از واقعیات و فطریات روشن است. امام خمینی علیه‌السلام در شرح روایت فطرت، از اینکه مردم از فطریات خود غافل‌اند - ولذا باوجود اتفاق نظر، گمان اختلاف دارند- ابراز تعجب می‌کنند و معتقدند انسان‌ها معمولاً بعد از تنبه می‌فهمند موافق [با آن گرایش فطری] بوده‌اند و ذیل آیه فطرت (ولکن اکثر الناس لا یعلمون) نیز به همین معنا اشاره دارد (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۱). این نوشتار بر پایه گرایش انسان به «کمال مطلق» و «زیبایی» سامان یافته است.

اصول و روش‌های نهادینه‌سازی

مبنای اول: «عشق به کمال مطلق»

هدف: جذب پایدار مخاطب به قرآن و نهادینه‌سازی فرهنگ آن با استفاده از گرایش‌های فطری اوست. مبنای: عشق به کمال مطلق؛ انسان گرایش فطری به موجود کامل مطلق (خداوند) دارد (جواد آملی، ۱۳۷۸، ص ۵۸) و به هر چیزی که مصداق کمال باشد عشق می‌ورزد.

اصل ۱: تبیین کمال‌بخشی فرهنگ قرآن؛ برای ایجاد گرایش پایدار به فرهنگ قرآن باید ظرفیت جهان‌بینی و ارزش‌های قرآنی در زمینه‌سازی برای دستیابی به کمالات دلخواه بشر تبیین شود.

اصل ۲: معرفی کمالات قرآن و فرهنگ قرآن؛ باید با معرفی کمالات قرآن و برتری‌های فرهنگ قرآن، مخاطب کمال‌خواه را به کامل‌ترین کتاب و سبک زندگی علاقه‌مند ساخت.

اصل ۳: تقویت و ارتقای گرایش به کمال مطلق؛ برای ایجاد گرایش پایدار به قرآن نباید گرایش مخاطب به کمال مطلق دچار ضعف و انحراف باشد؛ بلکه لازم است حس کمال‌خواهی انسان تقویت شود و ارتقا یابد.

توضیح مبنا (عشق به کمال مطلق)

عشق - بنا به تصریح ارباب لغت - خواستنی فراتر از محبت و دوست داشتن است و امروزه در لسان مردم نیز اجمالاً در همین معنا به کار می‌رود (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۵۱؛ ابن فارس، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۲۱). عشق از ماده «عشقه» است و آن نام گیاهی است که به هر چیز برسد، دور آن چنان می‌پیچد که آن را محصور می‌کند و در اختیار خودش قرار می‌دهد. عشق نیز آن محبت شدیدی است که تمام وجود فرد را فرا می‌گیرد و «برخلاف محبت عادی، انسان را از حال عادی خارج می‌کند و توجه را منحصر به معشوق می‌کند؛ یعنی یک نوع توحید و یگانگی در عاشق نسبت به معشوق به وجود می‌آورد؛ به گونه‌ای که توجه فرد از همه چیز بریده می‌شود و تنها به معشوق معطوف می‌شود» (ر.ک: ابن فارس، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۲۱؛ مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۳، ص ۵۰۳). عشق حد‌اعلای محبت است و هر انسانی محبت به چیزهایی را درون خود احساس می‌کند. بنابراین در هر انسانی زمینه عشق وجود دارد.

آیت‌الله شاه‌آبادی معتقدند «عشق مطلق» در فطرت به صورت بالفعل وجود دارد و این در همه انسان‌ها (اعم از پیامبر، وصی، مؤمن، کافر و شقی) یکسان است (شاه‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۶). ایشان عشق را از جمله صفات اضافی می‌دانند که اقتضای آن، وجود معشوق است و تفاوت انسان‌ها در یافتن معشوق است. حیات، بقا، قدرت، ابتهاج و سرور، آزادی و حریت، نیک‌نامی، آسایش و راحتی، از جمله معشوق‌های فطری نهفته در باطن انسان هستند. این عشق از نازل‌ترین سطح آغاز می‌شود و تا کامل‌ترین حد ممکن [و شناخته شده برای فرد] ادامه می‌یابد؛ لذا برای افراد صاحب معرفت که حقیقت را شناخته‌اند، عشق فطری به ذات خداوند کامل‌ترین و عالی‌ترین است و همه علائق و محبت‌های دیگر تحت تأثیر عشق به خداوند قرار می‌گیرند.

بنابراین انسان عشق به کمالات را در خود احساس می‌کند و اگر مصداق آن را بیابد، عاشق آن نیز می‌شود؛ لکن گاهی انسان در تشخیص مصداق و تعیین معشوق خطا می‌کند و به جای کامل، ناقص را معشوق می‌گیرد. در این حالت است که «هر چیزی که می‌بایم، بی‌می‌بریم که معشوق ما نیست؛ زیرا مناط عشق این است که در هنگام وصل، آرامش و راحتی حاصل شود؛ اما معشوق‌ها [جز خدا] با راحتی همراه نیستند. عشق پایان ندارد؛ زیرا کامل‌تر از کامل هم قابل دسترس است تا به کامل‌ترین (خدا) برسد» (همان، ص ۳۳۵).

روش‌های اجرای اصل ۱ (تبیین کمال‌بخشی فرهنگ قرآن)

الف) یادآوری توحید و کمال و رحمت الهی

انسان در پی تحصیل کمالاتی همچون علم، قدرت و عزت است. لذا به موجود علیم، قادر و عزیزی که بخشنده باشد و به دیگران نیز علم و قدرت و عزت ببخشد، علاقه‌مند می‌شود و کمال‌جویانه به او تقرب خواهد جست. از این رو قرآن کریم در شیوه تربیت توحیدی خود، به منظور بیدار نمودن فطرت توحیدی بشر، به مخاطب یادآوری می‌کند که عزت و علم و گنجینه‌های آسمان و زمین از آن خداست (ر.ک: منافقون: ۸؛ نساء: ۱۳۹؛ انعام: ۵۹؛ حدید: ۴ و ۳؛ منافقون: ۷؛ حجر: ۲۱). قرآن کریم می‌فرماید: «لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ کلیدهای آسمان‌ها و زمین از آن اوست. برای هر کس که بخواهد، روزی را گشاده یا تنگ می‌گرداند. اوست که بر هر چیزی داناست» (شوری: ۱۲).

قرآن برای بهره‌مندی از این مواهب الهی، فرهنگ رفتاری ویژه‌ای پیشنهاد می‌کند که با عناوینی همچون تقوا از آن یاد شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَعْفِرْ لَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن، راه [سعادت را] ببینید و گناهان شما را ببخشد» (حدید: ۲۸). اگر از دیگر آیاتی که حاوی این مضمون‌اند بگذریم (ر.ک: انفال: ۲۹؛ طلاق: ۳ و ۲)، این حدیث قدسی نمونه‌ای در اوج برای تحریک حس کمال‌خواه بشر از طریق توحید است:

عبدی أطنى أجعلك مئلي... أنا غنى لا أفترق أجعلك غنيا لا تفترق، أنا مهما أشاء يكون أجعلك مهما تشاء يكون؛ ای بنده من! مرا اطاعت کن تا تو را نمونه خود قرار دهم... من توانگری بی‌نیازم؛ تو را نیز توانگری خواهم ساخت که نیازمند نمی‌شود؛ من هرطور که بخواهم می‌شود؛ تو را نیز چنان قرار می‌دهم که هرطور بخواهی [همان] بشود (شیخ حر عاملی، ۱۳۸۰، ص ۷۰۹).

به تصریح حدیث، چنین مقامی تنها پس از توحید در اطاعت و عبودیت میسر می‌شود. جهان‌بینی‌ای که چنین ظرفیتی برای تکامل، پیش روی انسان قرار دهد، بسیار جذاب و باب طبع کمال‌خواه انسان است. چنین مقامی منافای با توحید نیست؛ زیرا عبد مطیع، پس از آنکه خواست خدا را برخواست خود ترجیح داد، خداوند نیز آنچه عبد می‌خواهد- که همان خواست خداست- محقق می‌کند. در واقع خواست فرد با خواست خدا منطبق می‌شود و لذا هرچه بخواهد، عملی می‌شود؛ زیرا گریزی از مشیت الهی نیست.

ب) یادآوری معاد و نعمت‌های بی‌نقص بهشتی

در آیات قرآن کمال بی‌نقصی که در عالم آخرت در انتظار نیکان است، یادآوری و برای انگیزش از حس کمال‌جویی استفاده شده است. این انگیزه از ابتدای آفرینش برای بشر مطرح بوده است: «إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى * وَأَنْتَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى؛ [ای آدم] در حقیقت برای تو در آنجا این [امتیاز] است که نه گرسنه می‌شوی و نه

برهنه می‌مانی. و [هم] اینکه در آنجا نه تشنه می‌گرددی و نه آفتاب‌زده» (طه: ۱۱۸ و ۱۱۹).

نوشیدنی‌های بهداشتی کاملاً مطبوع و معطر (مطففین: ۲۶ و ۲۷) و خالی از هرگونه نقص و عارضه‌اند: «لَا يُصَدِّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُزْفُونَ؛ از آن [شراب] نه سردرد گیرند و نه بی‌خرد گردند» (واقعه: ۱۹).

خداوند کمالات اخروی را درگرو باورمندی و عمل به باورها و ارزش‌های قرآنی قرار داده است و مخاطب برای ارضای حس کمال خواهی‌اش باید آراسته به فرهنگ قرآن باشد: «تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا؛ این همان بهشتی است که به هر یک از بندگان ما که پرهیزگار باشند، به میراث می‌دهیم» (مریم: ۶۳).

ج) برخورداری فرهنگ‌سازان از کمالات انسانی و اخلاقی

با توجه به فطرت کمال‌خواه، انسان به روش و منش کسانی که دارای کمالات اخلاقی و انسانی هستند، علاقه‌مند می‌شود. تأثیرگذاری فرهنگ‌سازان قرآنی در صورتی که خود آراسته به کمالات اخلاقی و ارزش‌های الهی باشند، بسیار بیشتر است. از این رو به تصریح قرآن، پیامبران الهی از میان انسان‌های بافضیلت برگزیده شدند و صاحب کمالات اخلاقی بودند: «وَ أَنْ يَمْلِكُوا فِي الْبَيْتِ مَا كَانُوا فِي الْبَيْتِ» (ص: ۴۸ و ۴۴؛ هود: ۷۵). خداوند متعال پیامبری را به‌عنوان معلم و مروج فرهنگ اسلام برگزید که صاحب خلقی عظیم (قلم: ۴) و مهربان و دلسوز (توبه: ۱۲۸) بود؛ اگر رسول اکرم ﷺ نرمخو و خوش خلق نبود، مردم به ایشان روی نمی‌آوردند: «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَأَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَاقْتَضُوا مِنَ حَوْلِكَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی؛ و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران: ۱۵۹).

بنابراین، معلمان و فرهنگ‌سازان قرآنی باید برای تأثیرگذاری بر مخاطب، ابتدا خود را به کمالات اخلاقی آراسته سازند: «من نصب نفسه للناس اماما فعليه ان يبدا بتعليم نفسه قبل تعليم غيره، وليكن تأديبه بسيرته قبل تأديبه بلسانه؛ هر کس خود را پیشوای مردم نمود، باید قبل از آموختن به دیگران به تعلیم نفس خویش بپردازد؛ و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد» (نهج البلاغه، حکمت ۷۰).

حکمت و دانش، عفت و پاکی، شجاعت، عدالت، امانت، راستگویی، بردباری، سعه صدر و فروتنی، نمونه‌هایی از کمالات انسانی و اخلاقی‌اند. اگر کسانی که مبین و مبلغ آموزه‌های قرآن‌اند، آراسته به چنین کمالاتی باشند، مخاطب کمال‌خواه را بی‌واسطه جذب خویش و سپس به واسطه خود، جذب قرآن و فرهنگ آن می‌کنند. لذا توصیه شده است با رفتار خود، دیگران را به خود جذب و به خوبی‌ها دعوت کنیم:

عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَالْوَرَعِ، وَالْإِحْتِهَادِ، وَصِدْقِ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ، وَحُسْنِ الْخُلُقِ، وَحُسْنِ الْجَوَارِ؛ وَكُونُوا دَعَاةً إِلَى أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ أُلْسِنَتِكُمْ؛ بر شما باد به رعایت تقوای الهی، پاکی، تلاش و کوشش، راستگویی، امانت‌داری، خوش اخلاقی و نیک رفتاری با همسایگان؛ و [با رعایت این فضایل] مردم را بدون استفاده از زبان به نیکی‌ها دعوت کنید (کلینی، ۱۴۲۹، ص ۱۹۸ و ۱۹۹).

این حدیث به طریق: «کونوا دعاة للناس بالخیر» نیز نقل شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۲۷۲).

روش‌های اجرای اصل ۲ (معرفی کمالات قرآن و فرهنگ قرآن)

(الف) ارائه سبک زندگی کامل مبتنی بر آموزه‌های قرآن

انسان کمال‌خواه، آن جهان‌بینی را می‌پسندد که پاسخگوی همه سؤالات و تأمین‌کننده همه نیازهایش باشد. خداوند نیز -در تصدیق فطرت بشر- دین کامل را مورد رضایت خود می‌داند و دین اسلام را به‌عنوان یک سبک زندگی کامل معرفی می‌کند تا موردپسند طبع کمال‌خواه بشر قرار گیرد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳).

سبک زندگی‌ای را می‌توان کامل دانست که از ویژگی‌های ذیل برخوردار باشد:

(الف) تأمین‌کننده اهداف و نیازهای نوعی بشر؛ (ب) شامل برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت؛ (ج) توجه به همه ابعاد وجودی انسان (انسان دارای ابعاد فردی و اجتماعی و نیز جسمی و روحی است. در بعد روحی دارای نیازها و گرایش‌های فطری متنوعی است. یک سبک زندگی کامل باید همه این گرایش‌ها را در نظر بگیرد و به نیازهای مخاطب خود پاسخ مناسب بدهد.)؛ (د) سازگار با ساختار جسمی و روحی انسان؛ (ه) شامل سازوکاری برای جبران هزینه‌ها و خسارت‌ها؛ (و) برخوردار از ضمانت اجرایی.

با تطبیق این ویژگی‌های مترقی بر فرهنگ اسلامی و معرفی این فرهنگ تکامل‌یافته، انسان کمال‌جو و تمامیت‌خواه، مجذوب باورها و ارزش‌هایی خواهد شد که او را به تمام اهداف و امیالش می‌رساند. البته به خاطر محدودیت‌های جهان مادی، تأمین کامل نیازها و امیال فطری انسان در عالم دیگر محقق می‌شود: «جَنَّتْ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاؤْنَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ؛ باغ‌هایی از بهشت جاویدان است که همگی وارد آن می‌شوند؛ نهرها از زیر درختانش می‌گذرد؛ هر چه بخواهند در آنجا هست؛ خداوند پرهیزگاران را چنین پاداش می‌دهد!» (نحل: ۳۱).

قرآن کریم نیز کتابی کامل و همچون آینه‌ای است که کمال مکتب اسلام را به نمایش می‌گذارد: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (نحل: ۸۹)؛ و این کتاب را بر تو فرو فرستادیم، در حالی که بیان رسا و روشنگر هر چیزی (از علوم و معارف) است و سراپا هدایت و رحمت و مایه بشارت برای مسلمانان است» (مشکینی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۷).

(ب) معرفی برتری‌ها و برجستگی‌های قرآن

یک. تبیین ابعاد اعجازآمیز قرآن

قرآن کریم دارای محاسن منحصر به فرد ادبی، اخبار غیبی و نظام‌هنگی بدیع و بی‌مانند است. همچنین قرآن حاوی حکمت‌های اجتماعی و نیز حقایق بنیادین هستی‌شناختی است که پس از قرن‌ها پاسخگوی مسائل بشر است و در کتاب دیگری به این دقت و اتقان نیامده است. باید این برتری‌ها به شکلی ساده برای عموم مردم و با روش علمی برای دانشمندان و دانشجویان تبیین شود.

دو. ساخت آثار هنری برای شناساندن برتری‌های قرآن و کمال فرهنگ قرآن

باید ساخت آثار هنری با مضمون نشان دادن کمال و برتری قرآن را در دستور کار قرار داد. برای مثال، لازم است برتری‌های قرآن در هدایت یک قوم جاهل، ظالم و ظلم‌پذیر به سوی ایجاد یک تمدن پیشرو در علم و اخلاق، از طریق خلق آثار هنری اطلاع‌رسانی شود. همچنین می‌توان جایگاه قرآن در برانگیختن افراد به شهادت و ایثار و از خودگذشتگی را ضمن یک اثر هنری به نمایش گذاشت.

روش‌های اجرای اصل ۳ (تقویت و ارتقای حس کمال‌خواهی)

الف) ارتقای افق نگاه مخاطب از میل به کمالات مادی ظاهری به کمالات برتر اخروی

خداوند در سوره آل عمران میل انسان به نعمت‌های دنیوی را تقریر می‌کند؛ ولی برای نفس کمال‌خواه انسان پیشنهاد بهتری ارائه می‌دهد تا نگاهش را به کمالاتی والاتر از خواستنی‌های دنیوی معطوف کند:

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَأْتَبِ ﴿۱۶۳﴾ قُلْ أَتُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ (آل عمران: ۱۵۴ و ۱۵۵)؛ دوستی خواستنی‌ها [ی‌گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشان‌دار و دام‌ها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده؛ [لیکن] این جمله، مایه تمتع زندگی دنیاست، و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست. بگو: «آیا شما را به بهتر از اینها خبر دهم؟ برای کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، نزد پروردگارشان باغ‌هایی است که از زیر [درختان] آنها نهرها روان است؛ در آن جاودانه بمانند، و همسرانی پاکیزه و [نیز] خشنودی خدا [را دارند] (فولادوند، ۱۴۱۸، ص ۵۱).

آموزه‌هایی همچون زهد، قناعت و دوری از دنیا که در اسلام بسیار مورد توصیه و تأکید هستند نیز در راستای رغبت و توجه به کمال برتر و دوری از کمالات ظاهری دنیوی سفارش شده‌اند. زهد همان تنفر از نقص و اعراض از کمال غیر حقیقی است و لذا بی‌رغبتی به دنیا از لوازم عشق به کمال مطلق است (امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۳). زهد، کلید توجه و نیل به خیرات و کمالات عالیه است: «جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ، وَجُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؛ [اگر] تمام خوبی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده [باشد]، کلید [رسیدن به همه] آن [خوبی‌ها] زهد در دنیا است (کلینی، ۱۴۲۹، ص ۳۳۲).

ب) تبیین اثر مثبت کمالات اخلاقی در پیشرفت فرد و جامعه

شکی نیست کمالاتی مثل نظم، علم، حلم، شجاعت و عفت پایه‌های پیشرفت هر فرد، گروه و تمدنی هستند. باید برای مخاطبین تبیین شود که با بی‌نظمی یا بدون برخورداری از دانش و جسارت کافی اعضای یک اجتماع نمی‌توانند خود و جامعه خود را به پیشرفت و رستگاری برسانند.

با رفع مشکلات مردم از طریق کمالات اخلاقی -همچون رأفت، شجاعت و سخاوت- نیز می‌توان ایشان را به چنین کمالاتی علاقه‌مند کرد.

ج) تبیین پیامدهای انحراف گذشتگان از کمالات اخلاقی و کمال‌خواهی اخروی

قرآن کریم و تاریخ بشر حاوی عبرت‌های شگفتی است که با مراجعه و تدبر در آن می‌توان عاقبت سستی و دوری از آرمان‌گرایی و کمال‌خواهی را مشاهده کرد.

مبنای دوم: «گرایش به زیبایی»

هدف: جذب پایدار مخاطب به قرآن و نهادینه‌سازی فرهنگ آن با استفاده از گرایش‌های فطری او.

مبنا: انسان گرایش فطری به زیبایی دارد و به آنچه حس زیبایی‌اش را تأمین کند، علاقه‌مند می‌شود.

اصل ۱: رعایت اصل زیبایی و آراستگی در نهادینه‌سازی؛ برای ایجاد گرایش پایدار به فرهنگ قرآن باید فرهنگ قرآن با رعایت اصل زیبایی ارائه شود.

اصل ۲: برجسته‌سازی زیبایی‌های قرآن؛ برای ایجاد گرایش پایدار به قرآن باید با معرفی زیبایی‌های آن، قرآن را به‌عنوان مصداق زیبایی به مخاطب شناساند.

مبنای فرعی: تأثیرپذیری گرایش به زیبایی از عوامل اجتماعی و ذهنی؛ گرایش‌های فطری انسان، تحت تأثیر عوامل اجتماعی و ذهنی تغییر حالت می‌دهند و دچار قبض و بسط یا شدت و ضعف می‌شوند.

اصل ۳: حفاظت، تقویت و اعتلای گرایش به زیبایی؛ برای ایجاد گرایش پایدار به قرآن، باید دأقّه زیبایی‌شناختی مخاطب حفاظت و تقویت شود و ارتقا یابد.

توضیح مبنای اصلی (گرایش انسان به زیبایی)

گرایش به زیبایی یک گرایش طبیعی و وجدانی است که هرانسانی درون خود احساس می‌کند. با وجود اختلاف سلیق، زیبایی دوستی یک حس مشترک در همه انسان‌هاست که در اصل آن اختلافی نیست. به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی: فطرت انسان، خواه مشهور و خواه مستور، خواه مکشوف و خواه محجوب، غیر از بینش جمال، دید دیگری ندارد و غیر از گرایش به کمال منش دیگری نخواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۵۹). مصادیق‌اعلای زیبایی نیز غالباً مورد اقبال توده مردم هستند؛ ولی به طور کلی به دلیل تفاوت‌های شخصیتی و تنوع سلیق انسان‌ها، اختلاف نظرهایی درباره مصادیق زیبایی وجود دارد.

گرایش به زیبایی به سه بخش محسوس، خیالی و معقول تقسیم می‌شود (مطهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۶).

اصل ۱: «رعایت زیبایی و آراستگی در نهادینه‌سازی»

رعایت اصل زیبایی با شناخت عناصر زیبایی پیوند تنگاتنگی دارد. رعایت زیبایی از یک سو به معنای رعایت گنجاندن عناصر زیبایی در ارائه محتوای قرآن و تبلیغ فرهنگ قرآن است. از سوی دیگر باید عناصر زیبایی را در قرآن و فرهنگ قرآن یافت و با برجسته‌سازی این عناصر، فطرت زیباپسند مخاطب را مجذوب قرآن کرد. برای مثال، اگر - چنان که خواهد آمد - تناسب را یکی از معیارهای زیبایی‌بخش بدانیم، تناسب الفاظ و تناسب احکام اجتماعی قرآن نمونه‌هایی از زیبایی ظاهری و باطنی قرآن هستند.

بنابراین شناخت عناصر یا معیارهای زیبایی - هرچند بحثی راهبردی نیست- اما تأثیر زیادی در اجرای این راهبرد دارد. گنجاندن هریک از عناصر زیبایی در گفتار و رفتار، مصداقی از رعایت اصل زیبایی [و یک روش مصداقی برای این راهبرد] است. با یادکرد عناصر زیبایی، روش‌های اجرای اصل «زیبایی» نیز شناخته می‌شوند؛ زیرا پذیرش هریک از معیارهای زیبایی، پذیرش یک گزاره واقع‌نگر روش‌ساز است که روش اجرای اصل «زیبایی» را مشخص می‌کند.

الف) عناصر یا معیارهای زیبایی

فلاسفه از دیرباز نظریاتی درباره ملاک‌های زیبایی ارائه کرده‌اند. اینکه زیبایی از دیرباز مورد توجه هنرمندان، نظریه‌پردازان و عموم مردم بوده، حاکی از فطری بودن گرایش به زیبایی است. ارسطو، «نظم»، «هماهنگی» و «اندازه مناسب» را از ویژگی‌های اصلی هر شیء زیبا دانسته است (ارسطو، ۱۳۵۷، ص ۱۰۴ و ۲۰۰). فلاسفه نوافلاطونی، معیار هماهنگی و تناسب را نمی‌پذیرند و زیبایی را واقعیتی روحانی و آسمانی می‌دانند (فلوطین، ۱۳۶۶، ص ۱۱۸). در فلاسفه سده‌های میانی نظر توماس آکوئینی جالب توجه است؛ وی معتقد است «سه چیز برای زیبایی ضروری است: کمال، تناسب، وضوح یا درخشش. بنابراین چیزهایی دارای رنگ‌های درخشان زیبا خوانده می‌شوند» (ربیعی و پازوکی، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

البته اینها معیارهایی کلی برای زیبایی‌اند و در عرصه‌های مختلف عناوین جزئی‌تری پیدا می‌کنند. مثلاً تناسب در حوزه شعر، عناوینی همچون وزن، عروض و قافیه پیدا می‌کند. برخی عناصر زیبایی شعر عبارت‌اند از: خوش‌آهنگی و موسیقی شعر (موسیقی شعر را می‌توان تقسیم کرد به موسیقی بیرونی (وزن)، موسیقی کناری (قافیه)، موسیقی درونی، موسیقی معنوی (تضاد، تطابق، ایهام، مراعات‌النظیر)، توصیفات و تشبیهات ادبی، نوآوری، هماهنگی تصویر و عاطفه (دهقانی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۵، ۲۱۰ و ۲۱۷). برخی از عناصر زیبایی صدا عبارت‌اند از: ظرافت و لطافت، وقار و متانت، طنین و زنگ صدا، هیجان صدا و هماهنگی صدا با سخن. البته هماهنگی صدا با سخن را نمی‌توان یک زیبایی صرفاً حسی دانست؛ زیرا حواس ظاهری [مانند چشم، گوش و بینی] تناسب لفظ و معنا را درک نمی‌کنند؛ لذا در شمار زیبایی‌هایی است که قوه خیال آن را درک می‌کند (برای پیگیری دیگر عناصر زیبایی صدا، ر.ک: مصباحی طریقی، ۱۳۹۳، ص ۱۳-۲۲). تنوع رنگ، تناسب رنگ، تقارن و بوی خوش را می‌توان از دیگر مصادیق زیبایی حسی دانست.

معیارهای کلی پیش‌گفته [نظم، تناسب، کمال، درخشش]، معیارهایی برای زیبایی‌های خیالی و عقلی نیز هستند؛ مثلاً تناسب و هماهنگی، معیاری است که قوه خیال با درک انتزاعی آن از ترکیب لفظ و معنای یک شعر، حکم به زیبایی آن شعر می‌دهد. زیبایی شعر در واقع یک زیبایی حسی و تنها مرتبط با الفاظ نیست؛ بلکه بیشتر مرتبط با معانی الفاظ است (خیال به‌عنوان قوه‌ای که تجرید و تعمیم می‌کند و نسبت‌ها را درک می‌کند، حکم به

تناسب هیئت ترکیبی الفاظ و معانی و زیبایی شعر می‌دهد). در واقع معانی ذهنی چنان زیبا کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که روح انسان -ونه چشم و گوش او- را جذب می‌کنند (مطهری، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۳۶۵). بنابراین «همین طور که... تناسب یک عامل اساسی در پیدایش زیبایی حسی است، تناسب در امور معنوی و روحی نیز عامل جمال و زیبایی روحی است» (همان، ص ۵۹۱).

(ب) روش‌های «رعایت زیبایی و آراستگی در نهادینه‌سازی»

یک. ارائه هنری آموزه‌های قرآنی

قالب‌های هنری، ظرفیت بالایی برای گنجاندن عناصر زیبایی‌شناختی و جذب حس زیبایی‌دوستی مخاطب دارند. برای هماهنگی فرهنگ‌سازی قرآنی با حس زیبایی‌شناختی مخاطب می‌توان -همچون قرآن- از روش‌های هنری بهره جست.

باید یک محتوای والا که برخوردار از زیبایی و کمال عقلی است، به شکلی زیبا ارائه شود. هنرمند می‌تواند با کمک گرفتن از زیبایی‌های محسوس یا خیال‌انگیز، زیبایی معقول را به معرض نمایش بگذارد و واقعیت را - چنان که هست- زیبا ارائه کند. در فیلم‌سازی، پویانمایی یا شعرسرایی می‌توان حسن و زیبایی یک رفتار، یک حقیقت یا یک شخصیت را [که حُسن عقلی و زیبایی معقول است] با استفاده از فنون هنری به خوبی منتقل کرد.

برخی قالب‌های هنری کارآمد برای «ارائه زیبای فرهنگ قرآن» عبارت‌اند از:

- هنرهای ادبی: شعر، نثر ادبی، داستان (رمان)، طنز؛

- هنرهای نمایشی: نمایش [اعم از سینما، سریال، تئاتر، تئزیه]، مستندسازی، پویانمایی؛

- هنرهای آوایی: سرود، آواز، آهنگ‌سازی (هنرهای آوایی مخصوصی برای ارائه مفاهیم اسلامی وجود دارند که عبارت‌اند از: تواشیح، ترتیل و تجوید(قرائت)، تنغیم(صوت و لحن)، ابتهال و دعاخوانی، مداحی)؛

- هنرهای دیداری(تجسمی): خوشنویسی، نقاشی، نگارگری، عکاسی، گرافیک، معماری.

ترکیب قالب‌های صوتی و تصویری و ارائه یک هنر تلفیقی نیز مؤثر است. پرده‌خوانی در گذشته ترکیبی از هنر نقاشی با بیان ادبی یا هنرهای آوایی بوده است. امروزه در فیلم‌سازی از تلفیق داستان با نمایش، آهنگ، آواز و پویانمایی، محصولات زیبا و تأثیرگذاری تولید می‌شود. ترکیب مداحی با شعر و داستان سرایی نیز ترکیبی آشنا و قدیمی است. تلفیق تصویر و گرافیک با سرود، تواشیح و مداحی نیز دارای جاذبه بالایی است.

دو. آراستگی ظاهری فرهنگ‌سازان

برای مخاطبی که در فطرتش میل به زیبایی زهفته است، آراستگی و زیبایی ظاهری، جذابیت‌آفرین، و به همان میزان سلخنتگی و آلودگی نفرت‌انگیز است. لذا است که انسان‌ها طبعاً تمایل بیشتری دارند که حرف خوب را از فردی آراسته و معطر بشنوند و بپذیرند.

پیامبران مهم‌ترین و اثرگذارترین عناصر فرهنگ ساز در تاریخ بشرند که مستقیماً به انتخاب خداوند مبعوث شدند. رفتار پیامبران، آموزش عملی شیوه فرهنگ‌سازی و تبلیغ است. امام صادق علیه السلام تأکید می‌کند خوشبویی و آراستگی از سنت‌های پیامبران بوده است (کلینی، ۱۴۲۹، ص ۱۹۰-۱۹۲). تأکید بر عنوان نبی و مرسل، می‌تواند حاکی از نسبت بین آراستگی و وظیفه تبلیغی ایشان باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خود را می‌آراست و از نظر پاکیزگی مورد توجه اهل زمان خود بود. آن حضرت پیش از سخنرانی، لباس‌های زیبا و آراسته به تن می‌کرد:

ولقد لبس رسول الله صلی الله علیه و آله جبّة صوف و عمامة صوف ثم خرج فخطب الناس على المنبر، فما رأيت شيئا مما خلق الله تعالى أحسن منه فيها؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جبّه و عمامه‌ای پشمین پوشید و رفت برای مردم سخنرانی کرد. من زیباتر از حالتی که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن بود، در میان آفریده‌های خدای متعال ندیدم (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۳۶).

البته آراستگی در محدوده حلال و شرعی، مطلوب است و نفس زیبایی موضوعیت ندارد؛ بلکه طریقی برای نهادینه‌سازی آموزه‌های الهی است؛ بدیهی است نمی‌توان با نقض دستورات اسلامی و اخلاقی، فرهنگ اسلامی را نهادینه کرد.

سه. زیباسازی فضاهای دینی و قرآنی

اگر فضای مسجد یا کلاس قرآن، معطر، منظم و تمیز باشد، زمینه برای حضور و سپس جذب معارف قرآنی فراهم می‌شود. آیات و روایات ذیل، نشانگر اهمیت آراستگی، زیبایی و عطرآگین بودن فضاهای دینی و نیز افرادی است که به آن مکان رفت‌وآمد دارند: «يا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۳۱)؛ «أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ تُبْنَى الْمَسَاجِدُ، وَأَنْ تُطَيَّبَ وَتُطَهَّرَ» (مسند الامام زید، ۱۹۶۶، ص ۱۵۴)؛ «تُحَفَّ الْمَلَائِكَةُ تَجْمِراً الْمَسَاجِدَ» (متقی هندی، ۱۳۹۷، ج ۷، ۶۵۸).

چهار. توجه به اختلاف سلیق در زیباشناسی

افراد مختلف در تعیین مصداق زیبایی‌های ظاهری هم‌نظر نیستند. هرچند معیارهایی کلان برای زیبایی تعریف شده که ادعا می‌شود مشترک بین نوع بشر است، لکن نمی‌توان انکار کرد در موارد جزئی، سلیق انسان‌ها بسیار متنوع و حتی متضاد است. برای مثال، رنگ یا طرح مورد پسند انسان‌هایی با شخصیت، خاستگاه و آداب و رسوم متفاوت، یکسان نیست. امروزه روان‌شناسان تلاش می‌کنند بر اساس رنگ و زیبایی‌های طبیعی دلخواه یک فرد، به ویژگی‌های شخصیتی او پی ببرند.

اختلاف سلیق ممکن است ناشی از گروه سنی، جنسیت، تفاوت‌های شخصیتی و تفاوت فرهنگی بین اقوام و نژادهای گوناگون باشد (در این بحث، اختلاف سلیقه‌های عرضی که ناشی از تبلیغات، ترفندهای رسانه‌ای یا مدگرایی است، مورد نظر نیست؛ چنین تفاوت‌هایی اصالت ندارند تا توجه به آن لزومی داشته باشد). بنابراین لازم است در حفظ آراستگی، ارائه هنری و زیباسازی فضاهای دینی، تا حد ممکن سلیقه مخاطب و فرهنگ عمومی

رعایت شود. یکی از راه‌های احترام گذاشتن به اختلاف سلیقه، تولید محتوا و محصولات هنری متنوع و ایجاد فضاهای زیبا برای گروه‌های مختلف است.

به طور خلاصه روش‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

احترام به سلیقه زیبایی‌شناختی مخاطب در انتخاب و ارائه محتوا

قرآن کریم حقایق را در قالب داستان عرضه کرده که مورد پسند مردم و کودکان و نوجوانان است. همچنین حاوی برخی نکات علمی است و اعجاز علمی آن برای دانشمندان و دانشجویان علوم تجربی شگفت‌انگیز است. درباره هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... نیز مطالب جالب توجهی برای علاقه‌مندان هر حوزه ارائه کرده است. از این رو قرآن حکیم، همیشه و برای همه گروه‌ها تازگی دارد و جذاب است: «لَا نَآلَهُ لِمَ يُنَزَّلُ لِرَمَانٍ دُونَ رَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ، فَهَوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ زیرا خداوند قرآن را برای زمان خاص یا افراد خاصی نفرستاده است. بنابراین قرآن در هر زمانی نو و نزد همه گروه‌ها تا روز قیامت تازه و باطراوت خواهد بود» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۸۷).

احترام به سلیقه زیبایی‌شناختی مخاطب در انتخاب روش هنری و تنظیم جزئیات کار هنری؛

احترام به سلیقه زیبایی‌شناختی مخاطب در زیباسازی فضاهای دینی؛

احترام به سلیقه زیبایی‌شناختی مخاطب در نوع پوشش و آراستگی.

احترام به سلیقه مخاطب به معنای توجه به جنسیت، گروه سنی، زمینه‌های فرهنگی و تفاوت‌های شخصیتی در

هر یک از موارد فوق است.

روش‌های اجرای اصل ۲: «برجسته‌سازی زیبایی‌های قرآن»

باید عناصر زیبایی را در قرآن و فرهنگ قرآن یافت و با برجسته‌سازی این عناصر، فطرت زیبایسند مخاطب را مجذوب قرآن کرد. برای مثال، گفته شد تناسب یکی از معیارهای زیبایی‌بخش است. تناسب الفاظ (متقی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲) و تناسب احکام اجتماعی قرآن نمونه‌هایی از زیبایی ظاهری و باطنی قرآن هستند که می‌توان با جلب توجه مخاطب به آن وی را جذب زیبایی قرآن کرد (درباره زیبایی آوایی و تناسب الفاظ و نظام‌هنگ قرآن، ر.ک: سلطانی رنایی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۵ - ۲۲۵). عالمان قرآنی، برخی از وجوه تناسب و زیبایی منحصر به فرد احکام قرآن را ذیل بحثی با عنوان اعجاز تشریحی قرآن مطرح کرده‌اند (معرفت، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۱۲)؛ انسجام احکام قرآن و تناسب حقوق و تکالیف، از جمله محاسن (زیبایی‌های عقلی) احکام قرآن‌اند (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲ - ۱۴۵). همچنین تناسب الفاظ قرآن با معانی، چینش منظم و متناسب الفاظ قرآن، و خوش‌آوایی و آهنگین بودن لغات و عبارات قرآن، نمونه‌هایی از تناسب و زیبایی الفاظ قرآن‌اند (الکواز و سیدی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۳ - ۳۲۷)، که فطرت زیبایی‌دوست انسان را به قرآن جذب می‌کند.

الف) برجسته کردن زیبایی‌های آوایی

این کار از طریق ضرباهنگ مناسب، وقف و ابتدای صحیح و بجا، و صوت و لحن زیبا ممکن است. برجسته‌سازی تناسب و زیبایی الفاظ قرآن نیز به چند شکل ممکن است، از جمله:

هماهنگ ساختن ضرباهنگ تلاوت با الفاظ قرآن؛

تلاوت آهنگین با استفاده از ظرفیت آهنگین الفاظ قرآن.

ب) نشان دادن زیبایی‌های بیانی

قرآن کریم دارای بیانی زیبا و بدیع است که حتی غیرمسلمین را مجذوب خود می‌کند. می‌توان از طریق آشنا ساختن فرد با آرایه‌های ادبی قرآن و توصیفات و داستان‌های قرآنی، زیبایی‌های بیانی قرآن را در معرض دید و درک مخاطب قرار داد.

بدین منظور آشنایی با زبان عربی و آموزش علوم ادبی و بلاغی بسیار راهگشاست؛ زیرا برخی از محاسن ادبی قابل برگردان نیست و با مطالعه ترجمه چندان حس نمی‌شود (آرام، ۱۳۸۲، ص ۷۴-۷۵).

ج) شناساندن زیبایی‌های محتوایی

قرآن کریم حاوی حکمت‌های اخلاقی و مطالب علمی عمیقی است. قرآن مشکلات گوناگون دنیوی و اخروی انسان را به طرز بدیعی ریشه‌یابی می‌کند که برای تحلیلگران مسائل اجتماعی، روانی و سیاسی می‌تواند بسیار جالب توجه باشد. زیبایی و کمال محتوای قرآن تا حدی است که دانشمندان وجود حکمت‌های زیبا و مطالب اخلاقی را یکی از وجوه اعجاز و برتری قرآن برشمرده‌اند (بلاغی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴) و مقالات و کتاب‌های متعددی درباره زیبایی معجزگون احکام تربیتی قرآن نگاشته شده است (درباره اعجاز تربیتی و شناسایی مصادیق زیبایی‌های محتوای قرآن، ر.ک: رجب، ۲۰۰۶م؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۹۱-۱۰۸).

درک زیبایی‌های محتوای قرآن برای ناآشنایان با زبان عربی آسان‌تر از درک زیبایی بیانی و آوایی است و در ذهن و اندیشه مخاطب اثرگذارتر است. لذا ارائه و تبیین محاسن محتوایی قرآن، روشی نافذتر و فراگیرتر برای نهادینه‌سازی فرهنگ قرآن در عموم مخاطبین است.

اصل ۳: «تقویت و اعتلای ذائقه زیبایی‌شناختی»

این اصل، مبتنی بر مبنای «اثر‌پذیری‌گرایی» به زیبایی از عوامل اجتماعی و ذهنی است. توضیح آنکه گاه انسان تحت تأثیر شرایط اجتماعی یا ذهنیت‌هایی - متأثر از پیشامدهای بیرونی - قرار دارد که درک وی را محصور می‌کنند و اجازه نمی‌دهند زیبایی که نوع انسان در حالت طبیعی از آن حظ می‌برد را حس کند و درک نماید. برای مثال، کسی که از دریا خاخره غرق شدن مادرش را در ذهن دارد، نمی‌تواند چنان بهره و لذتی از نظاره زیبایی دریا برد که انسان نوعاً از آن محظوظ می‌گردد. همین‌طور، دو شخص که آگاهی و اطلاعات ادبی یکسانی ندارند، در

مواجهه با شعر حافظ لذتی یکسان نمی‌برند و هر دو به یک اندازه زیبایی و ظرافت‌های آن را درک نمی‌کنند (حسین پور و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۲). این مسئله به طور گسترده‌تری درباره رسانه‌هایی که شبانه‌روز برای مخاطبین خود ذهنیت و خاطره می‌سازند، صدق می‌کند. غیرمسلمانی که در دنیای شهوت‌مدار غرب پرورش یافته و آخرین خاطره‌اش از اسلام مربوط به بمب‌گذاری‌ها و سربریدن‌های بی‌رحمانه است، نگاهش به زندگی و نیز به اسلام چنان دستخوش تحریف شده و چارچوب باطل یافته است که انتظار نمی‌رود درک درستی از زیبایی‌های برخی احکام سختگیرانه اسلامی [مثل سنگسار، قصاص، حکم محارب و مرتد، جزیه و جهاد] پیدا کند. دشمنان اسلام در یک راهبرد رسانه‌ای دقیق، سعی دارند خاطره‌های بد و نفرت‌انگیزی از اسلام جهادی و انقلابی در مخاطب خود ایجاد کنند تا زیبایی‌های اسلام ناب محمدی شناخته نشود.

باید با ایجاد ذهنیت مثبت نسبت به زیبایی‌های واقعی (از طریق آموزش خانوادگی، دولتی و رسانه‌ای) ذائقه مخاطب را برای درک زیبایی‌های فرهنگ قرآن و گرایش به آن مهیا کرد. برای حفظ حس زیبایی‌شناختی مخاطب، باید در فضای رسانه‌ای محصولات هنری جذاب و منطبق با فرهنگ اسلامی بر محصولات بیگانه غلبه داشته باشد. در بخش ایجابی باید محصولات هنری اسلامی تولید، عرضه، بازاریابی، تبلیغ و تمجید شوند. در بخش سلبی باید از هجوم محصولات غیراسلامی جلوگیری گردد و عوامل آن توییح و مجازات شوند؛ همچنین تولیدات ضدفرهنگی بیگانه باید تقبیح شوند و مورد نقد اسلامی، اخلاقی و هنری قرار بگیرند.

بنابراین، اگر با هنرمندی، فضای رسانه‌ای و اجتماعی مناسب ایجاد شود، استعداد‌های ذاتی انسان برای درک زیبایی حقیقی و نیل به زیبایی والا، مجال شکوفایی خواهد یافت (همان، ص ۲۴). درواقع با استفاده از هنر متعالی، می‌توان مردم را به سمت درک زیبایی‌های والا هدایت کرد.

تقلیل زیبایی به زیبایی‌های محسوس یا جذابیت‌های جسمی و جنسی نیز نمونه‌ای دیگر از نگاه محدود و حداقلی به این گرایش عالی به دلیل چارچوب‌های غلط ذهنی است. مادی‌گرایی، با گرفتار کردن انسان در بند محسوسات باعث می‌شود زیبایی‌های خیالی و عقلی نادیده گرفته شوند و تنها برخی زیبایی‌های کوچک حسی مورد توجه افراطی قرار بگیرند. این قبض ناروای گرایش گسترده و مبسوط انسان به زیبایی است که تعادل حس زیبایی‌شناختی را برهم می‌زند و زندگی را نازیبا می‌سازد؛ زیرا فرد، زیبایی‌های اطراف خود را به دلیل عینک سیاه دنیادوستی و مادی‌گرایی تشخیص نمی‌دهد و رضایت خاطر و آرامش خود را از دست می‌دهد: «الرُّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تَكْتَرُ إِلَيْهِمْ وَالْحَزْنَ وَالرُّهُدَى فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَالْبَدْنَ» (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۳).

قرآن کریم به درک حسی مخاطب احترام می‌گذارد و در توصیف بهشت، پاداش‌های لذت‌بخشی از جنس محسوسات مجرب به نیکوکاران وعده داده است: «كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأْتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ (بقره: ۲۵)؛ هرگاه میوه‌ای از آن روزی ایشان شود، می‌گویند: «این همان است که پیش از این [نیز] روزی ما بوده.» و مانند آن [نعمت‌ها] برای آنها آورده شود؛ و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند

داشت» (فولادوند، ۱۴۱۸، ص ۵).

لکن برترین پاداش، پاداشی عقلی و غیرحسی است: «وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۷۲). در دعای کمیل نیز بدترین عذاب که تحمل‌ناپذیر است، فراق خدا و دوری از دوستان خدا و نظر لطف الهی دانسته شده است: «فَلَيْتَنَ صَبْرَتِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَغْدَانِكَ... وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي... صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ؟ وَهَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَيَّ كَرَامَتِكَ؟» (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۸۴۷).

امروزه به دلیل غلبه نگاه مادی، توجه به زیبایی‌های حسی معطوف، و از زیبایی‌های غیرحسی منحرف شده است؛ اما درک زیبایی‌های قرآن برای یک فرد مادی‌گرا که در عالم محسوسات گرفتار شده و چشم عقل و دلش فراتر از آن را نمی‌بیند، دشوار است.

الف) روش‌های اجرای اصل «تقویت و اعتلای ذائقه زیبایی‌شناختی»

یک. حفاظت از ذائقه زیبایی‌شناختی از کودکی

حس زیبایی‌شناختی تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می‌گیرد. لازم است این حس، پیش از شکل‌گیری شخصیت فرد و در کودکی به صورت مناسب جهت‌دهی شود تا پس از تکوین صحیح، در مقابل زشتی‌های زیانناک مقاوم بماند.

دو. ایجاد ذهنیت مثبت و خاطره‌های خوش از قرآن (خاطره‌سازی و ایجاد ذهنیت مثبت)

با توجه به تأثیر عوامل بیرونی بر حس زیبایی‌شناختی، افرادی که از مواجهه با قرآن خاطرات خوبی در ذهن ندارند، در پذیرش و درک زیبایی‌های قرآن دچار مشکل و از آن دلزده می‌شوند. برای نمونه، تجربه دکتر طه حسین نویسنده مصری در این باره خواندنی و شنیدنی است (ر.ک: خوش‌منش، ۱۳۸۹، ص ۶۱ - ۶۹).

ایجاد ذهنیت مثبت می‌تواند از طریق تحریک حس زیبایی‌شناختی و نیز سایر گرایش‌های فطری بشر انجام گیرد. ارائه و بیان زیبای قرآن، تشویق و تکریم افراد مأنوس با قرآن، خوش‌رفتاری مریبان قرآن و ایجاد فضای شاد قرآنی برای کودکان، از جمله روش‌های خاطره‌سازی و ایجاد ذهنیت مثبت به قرآن در مخاطبین است.

سه. پرهیز از زیبایی‌های غیرواقعی

علاقه‌مند کردن مخاطب به فرهنگ قرآن - درحالی که فرهنگ‌های بیگانه را جذاب نشان می‌دهند - در صورتی عملی است که هم قرآن زیبا نشان داده شود و هم غیر آن را با تبلیغات پرحجم و پوشالی زیبا نشان ندهند.

گاهی گرایش به یک چیز مقتضای فطرت زیباشناس بشر نیست؛ ولی شیاطین انس و جن با تسویل و تزئین و تزویر، انسان را فریب می‌دهند و به آن علاقه‌مند می‌کنند: «وَزَيْنَ لَّهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ» (نمل: ۲۴).

بنابراین پیشنهاد می‌شود فرهنگ‌سازان برای نجات دادن انسان‌ها از دام زشتی‌های زیاننا اقدامات زیر را انجام دهند:

۱. پیشگیری از انتشار و دسترسی به محصولات فرهنگی فریبده و گمراه کننده

در دین اسلام خرید و فروش، انتشار، نگهداری، مطالعه و تعلیم کتب ضالّه ممنوع است؛ نگهداری و مطالعه آن تنها در صورتی جایز است که فایده مهمی - مانند نوشتن ردیه بر آن یا حفظ جان مؤمن از باب تقیه- داشته باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۱۲).

این پیشگیری مانند جلوگیری از ورود و توزیع مواد مخدر در جامعه است. کسی تردید ندارد با وجود دسترسی آسان به مواد مخدر، هدایت و به راه آوردن یک فرد معتاد بسیار دشوار، بلکه غیرممکن است؛ درواقع نخستین گام برای ترک اعتیاد، دور ریختن مواد مضر توسط فرد معتاد و دوری از آنهاست. تخدیر روح نیز از این قاعده مستثنا نیست و باید ابتدا چشم و گوش و دل بر مواد زیان‌بار و فریبده بسته شود تا زیبایی واقعی درک گردد.

۲. پرده‌برداری از فریبندگی و زشتی باطنی زیبایی‌های دروغین

خداوند در قرآن با اجرای همین روش، مردم را از دنیا برحذر داشته است:

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَتُهُمْ وَتَفَاخُرُ بَيْنَكُمْ وَتَكَاتُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتَاعٌ الْعُرُورِ (حدید: ۲۰)؛ بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است. [مثل آنها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رُستنی آن [باران] به شگفتی اندازد؛ سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی؛ آن‌گاه خاشاک شود. در آخرت [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آموزش و خشنودی است، و زندگانی دنیا جز کالای فریبده نیست (فولادوند، ۱۴۱۸، ص ۵۴۰).

خداوند در این آیه می‌پذیرد که دنیا سرگرم کننده و زیباست؛ ولی آن را بسان گیاهی می‌داند که زرد و پژمرده می‌شود و زیبایی‌اش گذرا و نابودشدنی است. با اینکه زیبایی دنیا اصیل و ماندگار نیست، ولی انسان فریب خورده آن را ماندگار می‌پندارد.

آگاهی بخشی سبب می‌شود بسیاری از کارها یا کالاهای به ظاهر زیبا، دیگر برای مخاطب جذابیتی نداشته باشند. اگر آگاهی بخشی پیش از آن باشد که فرد به دنیای فریبده خو بگیرد، تأثیر بیشتر و ماندگارتری دارد. از همین رو توصیه می‌شود فرهنگ‌سازی در سنین کودکی انجام شود.

۳. در دسترس قرار دادن محصولات فرهنگی زیبا و متنوع بر اساس فرهنگ اسلامی

ارائه هنری آموزه‌های قرآن کمک می‌کند آثار فرهنگی و هنری مناسب در اختیار مخاطبین قرار گیرد و جایگزین محصولات فرهنگی بیگانه شود. این کار با الهام گرفتن از قرآن و حدیث و پشتیبانی از نیروهای ارزشی در فضای رسانه و هنر میسر می‌شود.

نتیجه‌گیری

فرهنگ قرآن عبارت از جهان‌بینی، باورها، ارزش‌ها و رفتارهایی است که در قرآن به‌عنوان کتاب آسمانی مسلمین تجلی یافته و مرادف با فرهنگ اسلامی است.

نهادینه‌سازی فرهنگ قرآن به معنای حاکم کردن باورها و ارزش‌های اسلامی بر ذهن و عمل فرد است. مؤثرترین روش برای نهادینه‌سازی، روشی است که مبتنی بر گرایش‌های فطری و نهادینه شده در همه انسان‌ها ارائه شود.

انسان فطرتاً به «کمال» و «زیبایی» گرایش دارد. با اجرای راهبردها و روش‌های یادشده در این پژوهش می‌توان با تحریک حس کمال‌خواهی و زیبایی‌دوستی مخاطب، او را جذب باورها و ارزش‌های قرآنی نمود تا زمینه برای تثبیت کامل فرهنگ قرآن در وی فراهم گردد.

با توجه به «عشق انسان به کمال مطلق»، بر فرهنگ‌سازان و مربیان قرآنی لازم است راهبردهای «تبیین کمال‌بخشی فرهنگ قرآن»، «معرفی کمالات قرآن و فرهنگ قرآن» و «تقویت و ارتقای حس کمال‌خواهی» را مورد توجه قرار دهند و از طریق روش‌های ارائه شده به اجرا بگذارند.

همچنین بر مبنای «گرایش انسان به زیبایی» باید برای نهادینه شدن باورها و ارزش‌های قرآنی، اصول «رعایت زیبایی و آراستگی در نهادینه‌سازی»، «برجسته‌سازی زیبایی‌های قرآن» و «تقویت و اعتلای ذائقه زیبایی‌شناختی» مورد توجه باشد و طبق روش‌های برگرفته از هر اصل عمل شود.

برآیند این الگو، ایجاد شناخت و گرایشی در مخاطب است که موجب پذیرش باورها و عمل به ارزش‌های قرآنی و اسلامی است.

منابع

- آرام، محمدرضا، ۱۳۸۲، «ترجمه‌ناپذیری قرآن کریم»، *پیام جاویدان*، ش ۱، ۱۳۸۲، ص ۷۴-۸۷.
- ابراهیم‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۹، «اعجاز تشریحی قرآن»، *آینه معرفت*، ش ۲۴، ص ۱۳۵-۱۶۰.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، ۱۳۹۸ق، *التوحید*، تحقیق: هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین.
- _____، ۱۳۶۲، *الخصال*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- _____، ۱۳۷۸ق، *عیون أخبار الرضا*، تهران، جهان.
- ابن سینا، ابوعلی، ۱۳۹۱، *التعلیقات*، مقدمه، تحقیق و تصحیح: سیدحسین موسویان، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- ابن فارس، احمد، بی‌تا، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، بی‌تا، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.
- ارسطو، ۱۳۵۷، *فن تسعر*، ترجمه عبدالحسین زرین کوب، تهران، امیرکبیر.
- امام خمینی، روح الله، ۱۳۸۷، *شرح چهل حدیث* (اربعین حدیث)، چ بیستم، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- باقری، خسرو، ۱۳۸۹، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران* (اهداف، مبانی و اصول)، چ دوم، تهران، علمی فرهنگی.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۳۷۴، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه بعثة.
- بلاغی، محمدجواد، بی‌تا، *الآء الرحمن فی تفسیر القرآن*، تحقیق واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، قم، وجدانی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *فطرت در قرآن*، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۰، *الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه*، چ سوم، تهران، دهقان.
- حسین پور، داود و دیگران، ۱۳۹۲، «تحلیل مناسبات ادراکات زیبایی‌شناختی و تربیت و تبیین مبانی و اصول تربیت زیبایی‌شناختی از دیدگاه شهید مطهری و علامه جعفری»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۲۱.
- خوش‌منش، ابوالفضل، ۱۳۸۹، *حمل قرآن*، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۵۹، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، تهران.
- دهقانی، ناهید، ۱۳۹۵، «نگاهی به عناصر زیبایی‌شناسانه در هفت‌پیکر نظامی»، *فنون ادبی*، سال هشتم، ش ۳.
- ربیعی، هادی؛ یازوکی، شهرام، ۱۳۹۰، «مفهوم زیبایی نزد توماس آکوئینی»، *اندیشه دینی*، ش ۴۰.
- رجب، مصطفی، ۲۰۰۶، *الاعجاز التربوی فی القرآن الکریم*، اردن، جدارا للکتاب العالمی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۹۰، «بررسی اعجاز تربیتی قرآن»، *قرآن و علم*، ش ۹.
- سلطانی زناتی، مهدی، ۱۳۸۵، «درآمدی بر ابعاد اعجازی و زیباشناختی نظام‌نگ قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۴۵.
- سید رضی، محمد بن حسین، ۱۳۷۹، *نهج البلاغه*، چ ششم، ترجمه و شرح علی‌نقی فیض‌الاسلام، تهران، فقیه.
- شاه‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۸۶، *رئسحات البحار*، ترجمه زاهد ویسی، تهران، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، ۱۴۱۰ق، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، حاشیه سیدمحمد کلاتر، قم، داوری.
- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ق، *مکارم الاخلاق*، چ چهارم، قم، شریف رضی.
- طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۱ق، *مصباح‌المتتبعین و سلاح‌المتعبین*، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه.
- فقیهی، علی‌نقی؛ نجفی، حسن، ۱۳۹۵، «جایگاه گرایش‌های فطری در تعلیم و تربیت اسلامی از منظر علامه طباطبایی»، *معرفت*، ش ۲۲۳.

- فلوطین، ۱۳۶۶، *دوره آثار فلوطین*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی.
- فولادوند، محمدمهدی، ۱۴۱۸ق، *ترجمه قرآن*، چ سوم، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- کواز، محمدکریم؛ سیدی، حسین، ۱۳۸۶، *سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن*، تهران، سخن.
- کوئن، بروس، ۱۳۷۹، *مبانی جامعه‌شناسی*، چ یازدهم، ترجمه و اقتباس: غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دار الحدیث.
- متقی‌زاده، عیسی و دیگران، ۱۳۹۶، «زیبایی‌شناسی ضربانگ در سوره‌های نازعات و تکویر»، *پژوهش‌های قرآنی*، سال پنجم، ش ۱، ص ۱۰۱-۱۲۷.
- متقی‌هندی، حسام‌الدین، ۱۳۹۷ق، *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، بیروت: مکتبه التراث الإسلامی.
- زید بن علی بن الحسین علیه السلام، ۱۹۶۶م، *مسند الإمام زید (مسند زید)*، بیروت، دار مکتبه الحیاة.
- مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۸۱، *ترجمه قرآن*، چ دوم، قم، الهادی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، *به سوی خودسازی*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباحی طریقی، شیرین، ۱۳۹۳، «بررسی تعامل ارزش‌های زیبایی‌شناسانه صوت و تصویر بر مخاطب»، *مطالعات رسانه‌ای*، ش ۲۵، ص ۱۳-۲۲.
- مطهری، مرتضی، بی‌تا، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
- معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۰ق، *التمهید فی علوم القرآن*، چ سوم، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- معین، محمد، ۱۳۷۵، *فرهنگ فارسی*، چ نهم، تهران، چاپخانه سپهر.
- ملاصدرا، محمد ابن ابراهیم، ۱۳۶۰، *شواهد الربوبیة*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ندای، مژگان، ۱۳۷۸، «گونه‌شناسی فرهنگ سازمانی»، *مصباح*، ش ۳۱.